



فردوسی و مذهب شیعه

عجم زنده کردم بدین پارسی

بسی رنج بردم در این سال سی

حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی، شاعر قرن چهارم هجری (1020 – 935 میلادی) ، بزرگترین حماسه سرای ادب پارسی که درمیات همه سرایندهگان و ادبای ایرانی از چایگاه ویژه ای برخوردار است که او را از سایرین متمایز می کند .



فردوسی بزرگ تمام زندگی پر برکت خود را عاشقانه در راه ایران گذراند و سالهای پایان زندگی را با ملال و اندوه در خانه و باغی که از آنهمه دارائی پدری برایش باقی مانده بود ، سپری کرد و در سال 400 شمسی در سن هشتاد سالگی در گذشت.

آخوندهای سنی آن زمان که با حمایت سلطان محمود بسیار قدرتمند شده بودند ، به بهانه اینکه او را مسلمان واقعی نمی دانستند ، از خاکسپاری او در گورستان سنی ها جلو گیری

کردند ، و در نهایت او را در همان باغ خانه اش بخاک سپردند که هزار سال زیارتگاه رادمردان ایرانپرست بوده تا اینکه سر انجام بدستور رضا شاه کبیر آرامگاهی بروی خاک پاکش ساخته شد.

آخوندهای سنی آن زمان فردوسی را رافضی می نامیدند که بعدها با بقدرت رسیدن شیعه گری در ایران ، شیادان و دکانداران شیعه از این فرصت استفاده کرده و آئین مهر و محبت فردوسی را برای فریب مردم شیعه قلمداد کردند و نام مقدس این پدر بزرگوار و احیا کننده زبان پارسی را در لیست شیعیان قرار دادند، که امروزه فرزندان فردوسی در سرتاسر ایران به نیابت از طرف او ، نام این ابر مرد و سخنور توانای تاریخ پارسی را نیز از لیست مسلمانان شیاد و وطن فروش حذف و اعلام میدارند که او فرزند پاک زرتشت و پیرو پندار نیک ، گفتار نیک ، و کردار نیک بوده است، نه اینکه محمد تازی .

سر نوشت این بوده که چنین مردی بزرگ، چون آفتاب تابان در آسمان پهناور تاریخ و ادب ایران پدیدار شود و کاخی بلند از نظم پارسی در تاریخ بزرگان ایران و اساطیر ایرانی بنا کند که از باد و باران گزندی نیابد و بدرستیکه او را خدایگان سخن پارسی نامیده اند.



دروود به روان پاکش که در قلب همه ایرانیان وطن پرست جاودان خواهد ماند.

پاینده ایران - پایدار و سرافراز باد ملت ایران
نوشیروان - بنیاد ایرانبنان

دوشنبه، 15/05/2006